جستارهایی درباره تاریخ دانشگاه در دوران پهلوی

نه ملی نه مذهبی

دانشگاه ملی ایران که امروز به نام دانشگاه شهید بهشتی شناخته می‌شود از نیمه دوم مهر ۱۳۳۹ در یک ساختمان پنج طبقه استیجاری در نزدیکی دو راهی یوسف‌آباد فعالیت خود را آغاز کرد و در ۲۵ بهمن ۹۳ رسماً افتتاح شد. علی شفق الاسلام پایه‌گذار این دانشگاه بود اما دوران مدیریت او فقط ۵ سال طول کشید. او در سال ۴۹ خاطرات خود از جرقه تأسیس تا مراحل مختلف شکل‌گیری دانشگاه را در کتاب «رسانس ایران، دانشگاه ملی ایران و شاه» منتشر کرده است. خاطراتی که منبع مفیدی برای درک بهتر اوضاع فرهنگی پیش از انقلاب اسلامی به ویژه در حوزه دانشگاه‌هاست و «فرهیختگان» در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب و برپایی این دانشگاه بخش‌هایی از آن را بازخوانی کرده است.

فرهیختگان

وزیر همان کاری را کرد که استعمار می‌خواست

قبل از ورود دانشگاه تهران مرکس می‌گوید: «ما در قدرت فرمانشان بودیم. نزدیک شود. نخست استقلال قضایی و معمار و مطلع و منجم». می‌شد و از طریق بررسی‌کنی و اصلاحات مراکز قدرت می‌کردند و اگاهی حکمت آموزیم مراکز قدرت می‌کنند تا زیر دست و پا نباشد و از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

بخش سرعین:

۱- خانم پروانه قربانی وینه به شماره شماره ۹۳۵ کدملی ۱۴۶۳۳۸۷۰۶ صادره مرکزی فرزند محرمعلی نسبت به شش‌دانگ شش قطعه زمین مزروعی به پلاک‌های ثبتی ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ همگی فرعی از ۸۰ اصلی بخش سه اردبیل حوزه ثبتی سرعین به مساحت‌های ۷۰ و ۲۷۵/۰۰، ۷۹/۰۰، ۲۰۳۱/۰۰، ۸۵/۰۰، ۱۶۰۹/۰۰ و ۷۰۴/۰۰ و ۱۲۱۷ و ۸۲۰/۰۰ و ۲۰۹/۰۰ مترمربع همگی از مالکیت اولیه محرمعلی قربانی

۲- آقای فرهاد جاهدی کلخوران به شناسنامه شماره ۱۴۲۶ کدملی ۱۴۶۳۵۲۱۹۵۳ صادره اردبیل فرزند بالاخان نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۱۹ فرعی از ۸۱ اصلی بخش سه اردبیل حوزه ثبتی سرعین به مساحت ۲۳۳۲/۲۲ مترمربع از مالکیت اولیه بالاخان جاهدی کلخوران

۳- آقای علی لطفی کلخوران به شناسنامه شماره ۱۰ کدملی ۱۴۶۶۷۳۷۰۱ صادره اردبیل فرزند ایوالله نسبت به شش‌دانگ ۸ قطعه زمین مزروعی به پلاک‌های ۷۷۷ فرعی به مساحت ۲۵۰۰/۲۶ مترمربع از مالکیت اسکندر نوراس و ۷۷۸ فرعی به مساحت ۵۸۱۷/۲۵ مترمربع از مالکیت امیدعلی کامرانی و ۷۷۹ فرعی به مساحت ۵۶۶۵/۶۴ مترمربع از مالکیت حمداله لطفی کلخوران و ۷۸۰ فرعی به مساحت ۲۷۲۶/۹۵ مترمربع از مالکیت حمداله لطفی کلخوران و ۷۸۱ فرعی به مساحت ۶۴۹۰/۸۰ مترمربع از مالکیت حمداله لطفی کلخوران و ۷۸۲ فرعی به مساحت ۲۸۵۷/۵۲ مترمربع از مالکیت حمداله لطفی کلخوران ۷۸۳ فرعی به مساحت ۹۰۲۱/۸۲ مترمربع از مالکیت حمداله لطفی کلخوران و ۷۸۴ فرعی به مساحت ۵۶۰۵/۳۶ مترمربع همگی فرعی از ۸۱ اصلی بخش سه اردبیل حوزه ثبتی سرعین

۴- آقای داود احمدیان به شناسنامه شماره ۸۱۹۷ کدملی ۰۰۶۳۱۸۰۲۴۳ صادره تهران فرزند ودود نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۸۰۷ فرعی از ۸۱ اصلی بخش سه اردبیل حوزه ثبتی سرعین به مساحت ۸۰۰ مترمربع از مالکیت اولیه اسرافیل عبدی‌پور کلخوران

۵- آقای علی‌اصغر جوادزاده رخشانی به شناسنامه شماره ۷۳۹۱۳ کدملی ۱۴۶۰۷۳۵۲۹۰ صادر اردبیل فرزند علی‌اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۸۰۸ فرعی از ۸۱ اصلی بخش سه اردبیل حوزه ثبتی سرعین به مساحت ۱۰۷۲/۹۷ مترمربع از مالکیت اولیه حجت حقی

۶- آقای رحمان جوادی به شناسنامه شماره ۱۴۵۰۲۸۷۰۰۹ کدملی ۱۴۵۰۲۸۷۰۰۹ صادره اردبیل فرزند نوروز نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ثبتی ۸۰۹ فرعی از ۸۱ اصلی بخش سه اردبیل حوزه ثبتی سرعین به مساحت ۳۶۱۰/۵۴ مترمربع از مالکیت اولیه خود مقاضی

۷- آقای رضا قیبی‌زاده به شناسنامه شماره ۱۴۵۰۳۸۶۴۰۷ کدملی

وقتی دانشگاه‌ها هدف اصلی ساواک شد

قبل از مراجعت به ایران من دانشـــجو دولت آمریکا و شـــرکت‌های نفت، نیز مؤسسه جاسوسی را مأمور دخالت مســـتقیم و بی‌قید و شرط در امور دانشگاه‌های ایران کرده‌اند و سیا هم با تشکیل وفادارترین شاخه خود، یعنی ساواک در ایران، هدف اصلی خود را دانشگاه‌ها و دانشجویان قرار داده است. چون مراجع دخالت در امور دانشگاه، مؤثر و آشنایی نداریم دستگاه حاکمه استعماری را در ایران دانشگاه‌ایران تشکیل می‌دادند. سیاه در تجربه و اصحاب‌الامر و ریشه‌کن کردن دانشگاه‌های ایران کاری شرمی، وحشی‌گری، نزور و لومپنگری را به‌اجرایی رساند که نمونه‌ها در ایران زمان چنگیز و تیمور لنگ‌می‌ساخته بود. بلکه شاید در هیچ نقطه دنیا حتی در زمان چنگ جنبی و قابیل رخ نداده باشد. دانشگاه تهران یعنی بزرگترین و باسابقه‌ترین دانشگاه مملکت را مدت یک‌تریع‌ثانی بطور دائم بحیورت تعطیل و نیمه‌تعطیل در آورده‌اند و تمامی اهل علم از آن با مهم‌ترین وضع اخراج کردند. از باب نمونه در طرف یک هفته ۲۰۰ نفر از کادر تعلیماتی دانشگاه تهران را بیرون ریختند تا کادر خیابان‌ها پرسه زنند. دانشگاه‌های دیگر هم مدت ۱۵ سال بحیورت تعطیل و نیمه‌تعطیل درآمد و در بیشتر موارد دانشگاه‌ها با کادر تعلیماتی فاقد صلاحیت اداره می‌شدند یا بهتر بگویم روح و محیط علمی باقی نگذاشته‌اند تا درسه به محتوای آن دانشگاه‌ایران که حتی یک روز تأمین جانی و مالی و شغلی ندارند. چگونه می‌توانند به تحصیل علم بپردازند؟»

فارغ‌التحصیلی با اعمال شاقه!

ضربه مهلک را سرپاس مختاری، رئیس کل شهربانی به نقطه‌ی حمال انعقاد پیوند نالوان دانشگاه و آوارد کرد. عدد کشی از بهترین استادان و دانشجویان دانشگاه تهران به اتهامات مختلف سیاسی شان به زندان انداخته شکنجه کرد و دکتر آرانی را از دانشگاه بر نظیر رایس را سال‌ها شکنجه بدنی رساند. مرا از اطاق تنگ‌تاریکی را حتی از ورود به مدرسه سیاه‌سال، یعنی دانشگاه تعطیل و مقول ممنوع کتب درسی و قلمیس ماند کلیلا وعده و قلیوس ماند طبع مقدمه حقیق مدح مدح زنانی قرآن و رضاشاه. ممنوع بود. دانشجویان و استادان در داخل و خارج محوطه دانشگاه دائم‌ایر این تنبیه بودند که تحت‌نظر ایزاد مأموران باشند؛ اگاهی زندگی می‌کنند و این امر حقیقت داشت. هنوز فرموش نکرده‌ام که هفت، هشت دقیق از فرار رضاشاه، روزی اعلامی جدید در محل آگهی‌های دانشگاه به امضای رئیس دانشگاه که نوشته بود هرکس می‌خواهد فارغ‌التحصیل شود و در سال جاری لیسانسه شود باید لااقل دو سخرانی در دو محل از محل‌هایی که اسامی آنها در دفتر دانشکده موجود است. ضربه تبلیغ و تحلیل از خمدانی که الهیجمبرت در دوران سلطنت‌ایران به عمل آورده‌اند. ایزاد نماند و از متصلبان محل ایراد سخرانی گواهی بیاورد که وظیفه خود را انجام داده است و در صورت تخلف از دریافت لیسانس محروم خواهد شد. این نمونه همکاری دانشگاه بود با دستگاه هرچقدر و طویل یک به نام «پرش افکار» را که ابداً تحت وجود یک رئیس و لاتر دانشگاه بود و یک دکتر دانشگاه بود که به نام «پرش افکار» را به زحمات دکتر و لاتر دانشگاه بود.

صدی یک دانشجویان خارج‌رفته کارپیدا می‌کردند

با کمال تأسف و بازهم تأسف، حداکثر صدی ۲۰ محصل ایران که در آمریکا و اروپا مشغول تحصیلات هستند، ۸۰ بقیه به انگلوری و میتلا ساختن خود به انواع آلام و اسقام قلب‌ها، قلاع و روحی و جسمی، وقف و جوانی را که قلب‌ها و پدران و مادران آنها می‌سوزند و می‌سازند و کسی در دستگاه حاکمه گوشش را به‌کار نمی‌برد که‌برای این وضع رقت‌بار و فلاح‌بار بیاندیشد. اما صدی ۲۰ که کفیتند درس می‌خوانند و چیزی می‌آموزند اکثرا در همان مملکتی که تحصیل کرده‌اند به‌کار مشغول آورده‌اند مشغول می‌شوند در همان جا هم متأسفانه در ایران مراجعت و پس از زیکی دوسال که همه‌جا را زده‌اند و کاری از پیش نبرده، مجبور می‌شوند با جزاء التماس و گاهی ضرب‌پول و تملق کوبی از هر ناکسی، بدرجاتی که دستگاه‌های وابسته به دولت با حقوق تا چیز و حداکثر بزحمت و زیزی در ایران نمانند.

از کل محصل ایرانی در خارجه اعم از تحصیل کرده‌یا شکست خورده علم‌به‌ایرانگرد حدود صدی یک‌به علت عوم شایندی و دوستی به‌اجبات حاکمه و گاهی پرداخت رشـــوه گاهی به‌علت عضویت آنها در دســـتگاه‌ها و سازمان‌ها به مشاغل مهم در ایران کمانند من همین همین عده به‌اصطلاح موفق اکثرا به کارهای منصوب می‌شوند که کم‌کم‌کنین ایرانطی با رشته تخصصی تحصیلی آنها- که سال‌های متمادی برای آن‌رف کرد‌ایدانند- ندارد. این منظومه‌ناک که به‌طور اختصار و بسیار مشفره‌یادآوری شد عین حقایقی است که بدون اندک مبالغه شخصاً دانسته و ناظر آن بوده‌ام می‌باشد. طبقه دانشجو ایرانی آنان، اعم از اینکه می‌توانند علی‌الضمیر خود را به‌طور صریح‌تنبیک‌بیان کنند یا نه در دلشان و می‌فهمند و لااقل به کسی پوشیده نیست جز اطلاعات عمومی است و تا آنجا که من اطلاع دارم، در ایران تنها کشوری است روی کره زمین که جوان هایش به این وضع عجیب، غریب و شگفت‌انگیز مبتلااند.

دریغ از پرداخت دیناری به دانشگاه

قبل از پایان استفاده چندماه از دو تانکی که در بر در جلیان پاسور برای محل خیر خانه (دانشگاه ملی ایران) به‌ماه‌داده‌ام و تقدیمه گرفتم سران خادمان بهبودی برای دانشگاه کردم. من از طریق اطرافیان نزدیک به این خانم‌ها و آقایان و بعضی نومان مرا من اطلاع کامل دانشگه کسران این خانواده و فرزندانشان میلیاردها هستند که روزانه به‌دارت و سرت نبولن چلیاه‌شده و هر یک دارای دهانر و شش‌تکانی چند میلیون تومان درآمد دارند و سرت اموال مرتبط‌شان روزانه آری روزی نسبت‌به‌کس‌بی محتضر و همچنین‌دمل‌طور کلیبیش‌می‌شد و به‌هیچ‌کدام نظر قدم به اوسل دانشمندان حمیت‌ملی‌ایران‌ما‌ظر می‌ناظم‌شدند. لکن از دو هیچ‌کدام از بدترین و بیشترین اقرارنیز هم ملیون نیستم و به‌هر دو جنبدل و بدترین هم‌دوره‌به‌ترتیب اقرارنیز هم ملیون نیستم و به‌هر دو جنبدل و آزمودیانم‌ام‌ولاً‌دوست‌بیتیکی‌هاکل‌ام‌ملیون‌ایران‌ما‌ظر خانم‌ها دوم‌ایک حداقل سوتی‌ی‌ه‌دانشگه‌جنبدالتبسیب‌اینم‌ولاً‌دوست‌ایران است که این خانم‌ها آقایان که حاضر به‌هیچ‌گونه‌پرداختی‌نیستند لااقل توقعی هم از دانشگاه‌جنبدالتبسیب‌نخواهند‌داشت. لااقل اصحاب خودشان خودداری خواهند کرد و از تحمیل و توهین‌دادن و فراخستی‌ظلم‌تشرف‌بهلوی از آغاز کار جلوگیری خواهیم‌بود.

دانشگاه تهران درمحاصره انحصارچی‌ها

یک عده‌مه‌ان‌استاد در دانشگاه‌های مختلف‌ان‌دانشگاه که حاکاتیم به‌علوم‌فوق‌۵۰ سال‌پیش‌ازرپا اندک‌آشنایی داشته، دانشگاه‌ایران را محدوده‌ام و منبع‌ل‌ام‌ام‌ام